



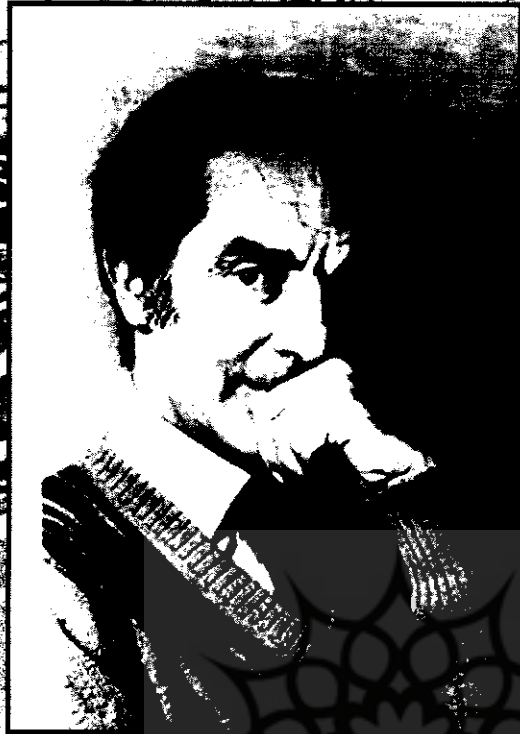
یکی از زندگی نویسندگان و اساطیر ایرانی

نقدی بر رمان «بارون درخت نشین» اثر ایتالو کالوینو

بابک جلالی

قرن هجده از درخت بالا می‌رود و بقیه عمرش را در بالای درختان مختلف زندگی می‌کند. شوالیه ناموجود این سه گانه را تکمیل کرد. که اولویت را به طرح فانتزی می‌داد تا حالت نئورئالیسم معمولی. پشت این سرزندگی افسانه‌ها همچنین می‌توان پرسشگری کالوینو درباره رابطه بین جوان و و مسیر تاریخ را دید. این سه رمان دارای مضامین مشترک، طنز سیاسی و اجتماعی، ماجراهای پندآموز، حوادث عجیب و تخیلی داستانها، شخصیهایی با رفتارهای غریب و غیرعادی، شخصیت‌پردازی و تکامل در لابه‌لای حوادث و ماجراها، شرح نسبتاً کامل و جزئیه جزء، وقایع هستند. این نوشتار رمان «بارون درخت‌نشین» را از جنبه‌های مختلف شرح و تفسیر می‌کند:

کمتر پیش می‌آید که اکثر آثار یک نویسنده خارجی در ایران ترجمه شود و هر سال چندین مقاله یا داستان کوتاه از آن آثار در مجلات و سایتهای اینترنتی کشور منتشر شود. آنتوان چخوف، گارسیا مارکز و ایتالو کالوینو از معدود نویسندگان مطرح هستند که بر سبک کار و طرز نوشتن نویسندگان جوان ایرانی تاثیر گذاشته‌اند. ولی سروکار ما در این مقاله فقط با ایتالو کالوینو و رمان «بارون درخت‌نشین» است. این رمان از سه گانه «نیاکان ما» است که شامل سه رمان: ویسکنت شقه شده، بارون درخت‌نشین و شوالیه ناموجود می‌شود. در سال ۱۹۵۰ که افسانه‌های فانتزی منتشر شد، برای کالوینو تحسین بین‌المللی و شهرتی به عنوان یکی از مهم‌ترین نویسندگان تخیلی نویسن قرن بیستم آورد. ویسکنت شقه شده با بارون درخت‌نشین (۱۹۵۷) دنبال شد. که در این داستان پسر یک بارون



کوزیمو لاورس دوروندو، بر ضد اشرافیت

کوزیمو قهرمان داستان در دوازده سالگی علیه سختگیرهای پدر اشراف‌منش و غذاهای تهوع‌آور و غیرعادی خواهرش باتیستا به بالای درخت بلوط پناه می‌برد و تصمیم می‌گیرد که دیگر پایین نیاید.

این درخت‌نشینی که در دوره نوجوانی نوعی لجبازی با خانواده است، در جوانی و بزرگسالی به انتخابی آگاهانه تبدیل می‌شود. به طوری که برای آموزش و تشویق دیگران به این کار حتی کتابی در مورد کشور آرمانی بر فراز درختان و قانون اساسی آن می‌نویسد.

سنت‌شکنی او علیه آیین اشرافیت، مراسم اجتماعی و نظم کهنه اجتماعی - برخلاف اکثر روشنفکران و مصلحان اجتماعی که فقط حرف می‌زنند یا مقاله می‌نویسند (در یک کلام تنها اظهارنظر می‌کنند) - دارای الگوی عملی است. از دیدگاه او «برای بهتر دیدن زمین باید کمی از آن فاصله گرفت».

کوزیمو روندو از یک خانواده اشرافی و فتودال است، ولی ادعای دوک بودن پدرش را نوعی وسوسه بیمارگونه می‌داند و خود را از این طبقه جدا کرده و از همان بالای درخت به مردم عادی، کشاورزان، فقرا، سربازان و کسبه خرده پا کمکهای بسیار می‌کند و آنها

را در مبارزه با خدایان زر و زور یاری می‌کند. پدر در هجده سالگی پسر درخت‌نشینش، به دیدار او می‌آید و مقام دوکی را عاملی برای فرماندهی بر اشراف ناحیه می‌داند. اما پسر پاسخ می‌دهد: «من فقط این را می‌دانم که اگر من بیشتر از دیگران چیز بدانم، در صورت نیاز آنها باید آنچه را که بدم در اختیارشان بگذارم. به نظر من فرماندهی یعنی همین.» به همین دلیل کوزیمو در موضوعات مختلف کتاب می‌خواند و آنچه خود از آبیاری، کشاورزی، درختکاری و زنبورداری یاد گرفته است، به دیگران یاد می‌دهد و یا گره از مشکلاتشان باز می‌کند.

«ایتالو کالوینو» کوزیمویی است که بالای درخت زندگی نمی‌کند!

برخی از نویسندگان همیشه تجربیات و آزموده‌های خویش را به شخصیت‌های داستانشان منتقل می‌کنند. در رمان «بارون درخت‌نشین» کردار و رفتار و عملکرد و عقاید کوزیمو بسیار به خالقش آقای ایتالو کالوینو شباهت دارد. به این شواهد که برای فهم سریع‌تر و بیشتر به صورت جدول مقایسه‌ای درآمده است توجه کنید:

زندگی ایتالو کالوینو	زندگی کوزیمو لاورس دوروندو
۱۹۴۱ تحصیل در رشته کشاورزی در دانشگاه تورین	فصل سیزدهم: یادگیری پرورش درخت
۱۹۶۳ در طی اشغال آلمانیها به نیروی مقاومت ایتالیا می پیوندد (پارتیزانهای کوهستان)	فصل پانزدهم: جنگ غافلگیرانه با دزدان دریایی فصل بیست و ششم: هدایت شورشها و انقلابات دهقانی فصل بیست و هفتم: کمک به سربازان جمهوریخواه فرانسه، علیه سپاه اتریش
۱۹۴۴ عضویت در حزب کمونیست ایتالیا ۱۹۵۷ با دلخوری حزب کمونیست را ترک می کند (به علت حوادث مجارستان)	فصل بیست و پنجم: عضویت کوزیمو در لژ فراماسونری، منتهی عضویتی که با خودمختاری و عدم تبعیت از لژ بزرگ لندن ادامه می یابد.
۱۹۴۷ پایان نامه دانشگاهی در مورد جوزف کنراد	فصل بیست و هشتم: نوشتن قانون اساسی شهر درختی
۱۹۴۷ شروع دوستی و ارتباط با نویسندگان، مورخین و فیلسوفان	فصل سیزدهم: نامه نگاری با دانشمندان و فیلسوفان و اصحاب اندیشه اروپایی
۱۹۶۴ دیدار از کوبا و ملاقات با ارنستو چه گوارا	فصل هفدهم و هجدهم: عزیمت به اسپانیا و مقالات و زندگی با انقلابیون اسپانیا
۱۹۴۸ تا ۱۹۸۴ کار در خانه نشر «اینودی» ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۷ انتشار مجله «ایل منابودی لتراچرا»	فصل بیست و چهارم: انتشار خبرنامه توسط کوزیمو

آینه تمدن غرب

کوزیمو به عنوان یک روشنفکر و مصلح اجتماعی در راه ایجاد رفاه و آسایش و آگاه ساختن مردم به حقوق اساسی شان در حوزه های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی تلاش می کند. نویسنده با دست آویز قرار دادن فعالیت های کوزیمو و مردم ایتالیا و اسپانیا و فرانسه در قرن نوزدهم در اصل، نیمرخ از تمدن غرب در آن سالها را به نمایش می گذارد که با پیشرفتهای شگفت در مسائل رفاهی، اقتصادی، علوم و فنون همراه است. ولی در برخی حوزه های اجتماعی مانند خانواده، شاهد آن هستیم که کوزیمو به عنوان نمونه ای از یک فرد غربی به جای یک ازدواج عاشقانه و دائمی و صحیح، مخلوطی از هرزگی، عشقهای شکست خورده، معشوقه های بی وفا و فرار کرده را به نمایش می گذارد. در زمینه مسائل مذهبی درگیری های مذهبی بین ژانسیستها و یسوعیان، دادگاه تفتیش عقاید کلیسا، توقیف کتابها، عضویت کشیش یسوعی در لژ فراماسونری و غیره را در این کتاب می خوانیم. در جای جای کتاب ایتالو کالوینو موضوعات مختلفی از تمدن مادی و معنوی جهان غرب را بین سالهای حدود ۱۷۵۰ تا ۱۸۲۰ نشان می دهد. گاهی اظهار نظر می کند و موردی را تأیید یا تکذیب می کند ولی در اکثر مواقع، آینه ای تمام نما و بی طرف است که عیب یا حسن خود مردم و شخصیت های داستان - به عنوان نمادی از تمدن مغرب زمین - را نشان می دهد. در

واقع آینه (ایتالو کالوینو) نظری ندارد.

«نیاکان» مشترک «ما» ایرانیها و ایتالیاییها!

مشابهت های رمانهای سه گانه «نیاکان ما» با گوشه هایی از افسانه ایرانی جمشید که در متون زرتشتی و شاهنامه فردوسی و اساطیر هندی آمده، آنقدر زیاد است که نمی توان آن را حاصل تصادف دانست و قطعاً ایتالو کالوینو توجه به خصوصی به این اسطوره ایرانی داشته است. به این شواهد توجه کنید:

ویسکنت شقه شده

اولین رمان از این سه گانه، ماجرای جنگجویی است که در جنگهای صلیبی به علت شلیک گلوله توپ به دو قسمت تقسیم شده و حالا یک شقه از بدن او کارهای نیک و شقه دیگر، کارهای بد انجام می دهد.

جمشید سه سال متواری بود، ولی روزی که در سواحل چین ظاهر شد، دشمن او را با آزه به دو نیم کرد. در متون کهن تر، آزه کردن جمشید به دو نیم یکی از برادرانش به نام سپی تیور (Spityura) نسبت داده شده است. روایت دیگر از این افسانه می گوید که جمشید خود را در تنه درختی پنهان کرده بود که ضحاک دستور داد تنه درخت را به همراه مردی که در آن بود، آزه کنند.

زندگی جمشید براساس اعمالی که انجام می دهد،



در تنه درخت بوده است که بدنش همراه درخت آزه می‌شود.

علاوه بر درخت‌نشین، اعمال بزرگ و مردم دوستانه جمشید در حوزه‌های پزشکی، خدماتی، کشاورزی، صنفی، معماری و غیره با کمک‌های کوزیمو به مردم خودش و مردم اسپانیا در حوزه‌های خدماتی، کشاورزی، آموزش، امور صنفی، معماری درختی و غیره نیز یکسان است.

شوالیه‌ناموجود

در سومین رمان از مجموعه «نیاکان ما» با شوالیه‌ای مواجه‌ایم که جسم و صورت ندارد، ولی صدا و روح دارد. جمشید نیز پادشاهی جنگاور است که وقتی فروغش را از دست می‌دهد، جهان بر او تاریک می‌شود. خود جمشید ناپدید می‌شود. او هنوز زنده است، ولی حضور فیزیکی ندارد. در نهایت در خاور دور (چین) دوباره ظهور می‌کند.

مآخذ:

۱. کالوینو، ایتالو (۱۲۸۳)؛ بارون درخت‌نشین؛ ترجمه مهدی سحابی؛ ناشر: نگاه؛ چاپ چهارم.
۲. عطایی، امید (۱۳۷۲)؛ نبرد خدایان؛ انتشارات عطایی.
۳. کارنسوی آلبرت، بسوزف (۱۳۸۳)؛ اساطیر ایرانی؛ ترجمه احمد طباطبایی؛ انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. سایت اینترنتی Kirjasto. Sci.Fi.
۵. فرزاد، محمدرضا (شهریور ۱۳۸۰) ایتالو کالوینو؛ نویسنده محال؛ مجله گلستانه؛ شماره ۳۱.

به دو دوره خوب و بد تقسیم می‌شود. در اوایل زندگی جمشید، او از طریق انجام اعمال صالح و ایجاد عدل و داد بین مردم و خدمتگزاری به ایشان (مشابه اعمال کوزیمو در رمان بارون درخت‌نشین که در قسمت بعد شرح داده خواهد شد) پادشاهی می‌کند. ولی در اواخر عمر دچار دیوانگی و گناه شده و فرکیانی را از دست می‌دهد. جمشید در این دوره با خواهرش بیمک (یمی) زنا می‌کند.

در روایت دیگری خواهر خود را به ازدواج دیوی درمی‌آورد و خودش نیز ماده دیوی را به زنی می‌گیرد. از این دو ازدواج موجودات ناقص‌الخلقه و بوزینه‌مانندی به دنیا می‌آید.

در شاهنامه، گناه جمشید ادعای خدایی کردن است. به هر حال ارتکاب این گناه که فرّ کیانی را از جمشید می‌گیرد، باعث می‌شود که در مقابل دشمنش اژی دهاک (ضحاک) شکست خورده و توسط او کشته شود.

می‌بینیم که سرنوشت دو شقه‌شدن در جنگ و انجام اعمال نیک و بد بین ویسکنت و جمشید مشابه است.

بارون درخت‌نشین

کوزیمو و جمشید هر دو در دوره‌ای از زندگی خود به درخت‌نشینی روی می‌آورند. جمشید یا بیم Yima در باغ خود برفراز درخت تنومندی با ارواح مردگان آنجمنی تشکیل می‌دهد. و همان‌طور که گفته شد